

# توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

دی ماه ۱۳۹۴ ژانویه ۲۰۱۶

شماره ۱۱۴

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

گسترش اعتراض کارگران علیه سیاستهای ویرانگر نولیبرالی



\*\*\*

شانزده آذر روز مقاومت دانشجویان و گزارشی از تظاهرات دانشجویان در دانشگاه تهران

\*\*\*



## پیام تبریک به مناسبت سال نو میلادی

فرا رسیدن سال نو میلادی را به همه دوستان، رفقا و هموطنان عزیز تبریک می گوئیم. به امید اینکه سال ۲۰۱۶ سال تشدید پیکار طبقاتی علیه ارتجاع، سرمایه داری و امپریالیسم جهانی و پیشروی کارگران و زحمتکشان و همه خلقهای جهان باشد، برای همه عزیزان موفقیت و شادی و سربلندی آرزو مندیم.

پیروز باد سوسیالیسم این پرچم رهایی بشریت!

حزب کارایران (توفان)

\*\*\*

## راهپیمایی با شکوه در آمستردام بر علیه رژیم فاشیستی ترکیه و درهمبستگی با خلق کرد

در اعتراض به کشتار مردم کردستان ترکیه، روز شنبه ۲۶ دسامبر ۲۰۱۵ در آمستردام تظاهرات بزرگی بر پا شد که حدود بیش از دو هزار نفر در این راهپیمایی عظیم شرکت کردند. فعالین حزب کارایران (توفان) نیز در این تظاهرات شرکت داشتند و با خلق مبارز کرد که در سخت ترین شرایط با رژیم پان ترکیست اسلامی اردوغان می رزمند، اظهار همبستگی نمودند.

نابود باد رژیم فاشیستی ترکیه

زنده باد همبستگی با مردم کردستان ترکیه

## کودتای خزنده اولاند و شرکاء در فرنگستان

\*\*\*

درحاشیه پیروزی عوامل امپریالیسم در انتخابات اخیر در درونزونا

\*\*\*

## گشت و گذاری در فیسبوک

پاسخ به چند سنوال

## گسترش اعتراضات کارگران بر علیه سیاست های نئولیبرالی

یکی از دلایل مخالفت و مبارزه مردم با حاکمیت ۵۷ ساله خاندان پهلوی، ضد ملی بودن و وابستگی این خاندان به امپریالیسم در کنار اعمال دیکتاتوری و سرکوب و غارت و چپاول اموال عمومی و گسترش بی عدالتی اجتماعی و شکاف طبقاتی بود. استقلال هر چند مفهومی سیاسی است و به معنای تصمیم گیری و برنامه ریزی در عرصه های مختلف سیاست داخلی و خارجی و اقتصادی و اجتماعی و دفاعی و آموزشی و فرهنگی به صورت مستقل و در جهت منافع ملی و عدم پذیرش دستور العمل های اجانب و سلطه گران خارجی است؛ با این حال اگر این استقلال سیاسی با خودکفائی و استقلال اقتصادی و تحکیم قدرت دفاعی و به خصوص حمایت همه جانبه مردمی همراه نباشد، امکان از دست دادنش امری حتمی است! و به قولی دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد. چرا که آن قانونی که در عرصه مناسبات بین المللی حاکم است چیزی جز زور و قدرت نیست. قدرت اقتصادی، قدرت نظامی، قدرت علمی و تکنولوژیک و اطلاعاتی و میزان حمایت توده ای تعیین کننده حفظ استقلال است.

رهبری حاکمیت بر آمده از انقلاب که اقتصاد را زیر بنای خر میدانست و عامل اصلی و تعیین کننده حیات و تحولات درونی جامعه را گسترش و ترویج فرهنگ اسلامی و احکام اسلام و داروی همه دردهای جامعه معرفی می کرد و مشاورین اقتصادی شارلاتانش نظیر بنی صدر، اقتصاد اسلامی را به عنوان عامل پیشرفت جامعه و رسیدن به خودکفائی و رفع استثمار و بی عدالتی اجتماعی معرفی می کردند و می خواستند با حمایت از بازار و تجار "محترم" و اصناف و صنایع کارگاهی و گسترش صندوق های قرض الحسنه و اصل قرار دادن باب اجاره فقه اسلامی در مناسبات کار و لغو بیمه بازنشستگی و پرداخت زکات به جای آن توسط بستگان و یا امت مسلمان، الگوی اقتصاد اسلامی خود را تحقق بخشند، خیلی زود در برابر واقعیات، مجبور به کنار زدن نقاب رنگ و لعابدار اسلامی به مناسبات سرمایه داری شده و بخصوص پس از جنگ تا به حال با وحدت نظر همه جناحها و باندهای درون و پیرامون حاکمیت در این عرصه، چهار نعل در جهت اجرای سیاستهای اقتصادی نئولیبرالی دیکته شده توسط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی پیش رفتند.

این سیاست اقتصادی که اساسش بر خصوصی سازی معادن و صنایع و کشاورزی و بانکها و تجارت و سیستم حمل و نقل هوایی و دریایی و ریلی و چرخی و رسانه ها و آموزش و بهداشت و درمان و حذف سوبسید و خدمات دولتی و حذف تعرفه های گمرکی و تغییر همه قوانین کشورها در این جهتو هم چنین تغییر قوانین کار در جهت امنیت کامل سرمایه و در جهت استثمار بی قید و شرط نیروی کار است.

نتایج حاصله از این سیاست اقتصادی که با تحریف اصل ۳۳ قانون اساسی توسط خامنه ای شروع شد و غارت و چپاول ثروتهای ملی تحت عنوان خصوصی سازی و ایجاد بازار بورس و اقتصاد قمارخانه ای و حذف سوبسیدها و تعرفه های گمرکی و تغییر قوانین کار و ایجاد مناطق آزاد تجاری و... که نتایج حاصل از آن باعث سرازیر شدن همه کالاهای صنعتی و کشاورزی و مصرفی به کشور و نابودی تولیدات صنعتی و کشاورزی و گسترش بیکاری و فقر و بی حقوقی کامل کارگران و زحمتکشانشان از طرفی و ایجاد یک لایه اجتماعی از میلیاردیهای غارتگر وابسته به حکومت و شکاف عمیق طبقاتی در جامعه شد. طبقه کارگر صنعتی کشور از ۳/۵ میلیون نفر به ۱/۲ میلیون نفر کاهش یافته و ۷۰ درصد صنایع کشور به طور کلی نابود و ۳۰ درصد باقی مانده با ظرفیت ۵۰ درصد مشغول کار است. طبیعی است که با چنین وضعیت اقتصادی و اتکاء حاکمیت به یک لایه چند درصدی از میلیاردیها و مزدوران وابسته نمی توان اقتصاد مقاومتی برای مقابله با تحریمهای امپریالیستی بوجود آورد.

### سیاستهای اقتصادی نئولیبرالیستی در جهت منافع کدام طبقات اجتماعی هستند؟

۲۰۰ کمپانی بزرگ ۷۰٪ معاملات جهان را کنترل مینمایند. حدود ۴۰٪ از همه معاملات ثبت شده در اصل معامله تجاری نیستند، بلکه به صورتی کاملاً کنترل شده، میان همان کمپانی رد و بدل شده است. آنها از رقابت آزاد میگویند ولی عملاً بازار جهانی را بین خود تقسیم کرده اند و ۴۰٪ از معاملات جهانی را کنترل مینمایند.

این روند، جهانی شدن نام گرفته است اما در واقع مرکزیت سرمایه و قدرت در یک جمع کوچک، انحصارات و در یک گروه کوچک از کشورهای امپریالیستی قرار دارد. ۱۸۶ شرکت از ۲۰۰ شرکت بزرگ چند ملیتی جهان تنها به ۷ کشور ژاپن، آمریکا، آلمان، فرانسه، انگلستان، هلند، و سوئیس تعلق دارند و ۱۴ شرکت به کره جنوبی و برزیل تعلق دارند و جهان سوم جایی در فهرست ۲۰۰ عددی ندارند.

یک گروه کوچک متشکل از ۱۵ شرکت مختلف و بزرگ جهانی کنترل ۲۰ نوع کالای کلیدی را که در جهان سوم تولید میشود در دست دارند. آنها ۹۰ درصد از معاملات گندم، ۹۰ درصد از معاملات پنبه، ۹۰ درصد از معاملات تنباکو، ۹۰ درصد از معاملات چوبهای گرانبها، ۸۰ درصد از معاملات قهوه، ۸۰ درصد از معاملات مس، ۷۰ درصد از معاملات چای و ۷۰ درصد معاملات برنج و غیره را کنترل می کنند.

این شرکت های چند ملیتی که مبلغ نئولیبرالیسم و جهانی شدن هستند، سیاست لیبرالیست مدرنی که در مورد کوچک کردن دولت تبلیغ میکنند به هیچ وجه ضد دولتی نیست، بلکه تلاش آنها بر این است که دولت را ناگزیر نمایند که از قبول مسئولیتهای اجتماعی سرباز زده و در نهایت آن را به وسیله ای در جهت کسب منافع سرمایه چند ملیتی تبدیل نمایند. حقوق و مصالح اجتماعی باید نادیده گرفته شوند و منابع دولتی به حراج گذاشته شود. مالیات و دیگر دارائیهای باید صرف هزینه های بشوند که منافع این انحصارات را تامین نماید. و البته اگر کسب منافع بیشتر ایجاب نماید با کمک نیروهای نظامی با توسل به زور، جهانی نمودن استثمار کمپانیها را، تامین نمایند.

شرکتهای بزرگ آمریکایی، ژاپنی و اتحادیه دارند که بدون هیچ مانعی از نیروی کار، منابع طبیعی و بازار کشورهای دیگر سود جویند. همزمان آنها تکنولوژی و اطلاعات فنی و علمی انحصارات خود را با احترام پاسداری نموده و به سیاستها و برنامه های اقتصادی و فرهنگی خودشان حق تقدم میدهند. و این "معاملات آزاد" نامیده میشود.

به خاطر این ارزشها امپریالیسم آماده است که تمام موانع را از پیش رویش بردارد. شرکتهای چند ملیتی با استفاده از قدرتهای دولتی امپریالیستی خود، با استفاده از خشونت سازمان داده شد مانند آنچه در یوگسلاوی و عراق و افغانستان و لیبی و سوریه با کشتار و تخریب و راه اندازی جنگ های قومی و مذهبی انجام دادند و یا از طریق تحریمهای اقتصادی نظیر تحریم اقتصادی کوبا و عراق و ایران سیاستهای خود را به پیش می برند.

کمپانیها خواستار تخفیفهای دولتی و کاهش مالیات هستند و در ضمن خواهان رهایی از مسئولیتهای اجتماعی هستند. کمپانیها می خواهند هزینه ها از جیب مردم پرداخت شود، ولی سود حاصله به جیب آنها سرازیر شود.

تبلیغات همه جانبه در مورد "نظم آزاد بازار"، کشورهای فقیر را فقیرتر و ثروتمند را ثروتمندتر نگه میدارد امروزه کمپانیهای چند ملیتی تا اندازه ای قدرت خود را گسترش داده اند که شرایط سیاسی خود را در جایی که میخواهند به پیش ببرند دیکته مینمایند.

دیکته این سیاستها توسط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی به کشورهای عقب نگاه داشته شده و از جمله ایران صورت می گیرد (ایران عضو بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است و سالهاست که می کوشد با تحقق تمام شرایط خانمان برانداز سازمان تجارت جهانی به عضویت این سازمان ضد کارگری و امپریالیستی نیز درآید) و محصول این سیاستهای ارتجاعی ایجاد لایه اجتماعی کوچکی از غارتگران ثروتمند داخلی که در واقع به عنوان کارگذار و عامل انحصارات امپریالیستی و کمپانیهای چند ملیتی ایفاء نقش می کنند.

## نمونه ای از حراج کارخانه ها با نام خصوصی سازی

مصاحبه با نماینده ی سندیکای کارخانه لوله سازی خوزستان

برگرفته از وبسایت کانون دفاع از حقوق کارگران

۱۴ دسامبر ۲۰۱۵

کارخانه لوله سازی خوزستان با قدمت چهل ساله، یکی از بزرگترین کارخانه های صنایع فلزی در کشور بوده است. زمانی نه چندان دور این کارخانه با داشتن بیش از دوهزار پرسنل و بیست و دو هکتار زمین و کوره های بزرگ، در هفت کیلومتری جاده اهواز به خرمشهر به ساخت لوله مشغول بود. محصولات این کارخانه در زمینه لوله سازی کشور را از بسیاری واردات این محصول بی نیاز میکرد، لوله های فلزی با قطرهای متفاوت که برای آبرسانی، انتقال مواد پتروشیمی از منطقه ای به منطقه ی دیگر همواره مورد نیاز بخش های مختلف عمرانی است.

این واحد تولیدی از اولین کارخانه هایی بود که هدف خصوصی سازی قرار گرفت و اکنون از آن جز یک کارگاه ریخته گری سنتی چیزی باقی نماند است. اولین سندیکای کارگری مستقل با معیارهای مورد قبول کارگران در این واحد تولیدی تشکیل شد و کارگران نمایندگان خود را با تشکیل مجمع عمومی و رای مستقیم انتخاب کردند. سندیکای کارگران لوله سازی خوزستان تلاش های زیادی برای جلوگیری از روند نابودی این واحد تولیدی انجام دادند، هر چند این تلاش ها در مقابل سودخواهی حریصانه سرمایه داران به جایی نرسید و نتوانست جلوی خصوصی سازی این واحد تولیدی را بگیرد اما بخشی از تجربیات ارزشمند جنبش کارگری در سه دهه ی اخیر است.

در زیر مصاحبه ای داریم با یکی از نمایندگان کارگران این واحد تولیدی که به مدت سه دوره به عنوان یکی از اعضای هیات مدیره ی سندیکا انتخاب شده بود. وی در این مصاحبه از چگونگی روند مبارزات کارگران این مجتمع صنعتی برای حفظ و نگهداری آن می گوید.

**سوال: آقای مقصودی لطفا ضمن تشکر بابت وقتی که برای این مصاحبه می گذارید، برایمان از لوله سازی خوزستان بگوئید و این که از چه سالی در آن واحد مشغول به کار شدید؟**

– کارخانه لوله سازی خوزستان در سال ۱۳۵۴ توسط یکی از سرمایه داران وابسته به دربار آن زمان با نام مرتضی

بشارت تاسیس شد. این کارخانه تا قبل از خصوصی سازی دارای ۱۷۰۰ کارگر رسمی و ۵۰۰ کارگر قراردادی بود. من از سال ۱۳۵۶ در آن مشغول به کار شدم. شرایط کار در این کارخانه بسیار سخت بود. کارخانه دارای شش عدد کوره ی بزرگ با ظرفیت هر کدام یک ونیم تن مواد مذاب بود که با تکنولوژی قوس الکتریکی کار می کرد. این کوره ها از آلمان وارد شده بود. کارخانه می توانست روزانه در حدود بیش از ۵۰ تن مواد مذاب را به قالب ها وارد کرده و لوله های فلزی از قطر ۱۰ تا ۶۰ سانتی متر را به بازار عرضه کند. تکنولوژی کارخانه نسبتا پیشرفته بود. چرخش قالب ها لوله ها را با قوه ی گریز از مرکز وارد مرحله نهایی ساخت می کرد که در حقیقت لوله های با کیفیت خوب و بدون درز تحویل بازار میداد.

**سوال: شما در کارخانه مشغول چه کاری بودید؟**

– کوره ها در سالی قرار داشت که سقف آن بین ۱۲ تا ۱۸ متر ارتفاع داشت. جرثقیل های حمل و نقل در این ارتفاع

مواد مذاب و یا لوله ها را جابه جا می کردند. بخش مسوولیت جرثقیل ها در آن ارتفاع بر عهده ی کارگرانی بود که باید بر روی ریل های تعبیه شده در ارتفاع ده تا ۱۶ متر از سطح زمین رفت و آمد کرده تا بتوانند جرثقیل ها را به کار گیرند. من ابتدا کارگر ساده ی این بخش و سپس سرپرست آن بودم.

ریل های تعبیه شده در این ارتفاع به گونه ای بود که ما باید همواره با فاصله شش تا ۸ متری از روی کوره ها عبور می کردیم. عرض ریل ها سی تا چهل سانتی متر بود. رفت و آمد بر روی این ریل ها در آن ارتفاع از روی کوره ها، شرایط کار را بسیار سخت می کرد. به طوری که کوچکترین لغزشی می توانست کارگر را به درون کوره های مذاب بیندازد. تعمیر و بازسازی جرثقیل ها در آن ارتفاع همواره خطر سقوط را برای کارگران به همراه داشت. علاوه بر آن پاره شدن کابل ها بر روی کوره ها و اجبار به تعمیر آنها در آن شرایط موقعیتی را برای کارگران فراهم می کرد که همواره از ناراحتی ها جسمی در رنج بودند. از مهم ترین الودگی های ان فضا میتوان از دود حاصل از مواد مذاب نام برد که همواره استنشاق ان کارگران را با ناراحتی های تنفسی مواجه میکرد.

**سوال: دست شما می لرزد. این لرزش برای چیست؟**

– این لرزش حاصل ۲۵ سال کارکردن در ارتفاع ده متری روی سکوهای ۳۰ تا ۴۰ سانتی بر روی لوله های مذاب است که کوچکترین لغزش خطر سقوط در کوره ها و پودر شدن در یک لحظه می شد. شما همواره باید در راه رفتن بر روی سکوها تعادلتان را حفظ می کردید. لحظه ای غفلت جان شما را به خطر می انداخت. من شاهد سقوط یک مهندس جوان ۲۷ یا ۲۸ ساله در کوره بودم که به علت نامعلومی در کوره افتاد. در ظرف کمتر از چند ثانیه تنها یک لکه چربی بر روی مواد مذاب کوره ظاهر شد و دیگر هیچ!

**سوال: چند سال ازدوره ی کاری خود را در این محیط گذرانید؟**

– از ۲۸ سال سابقه ی کار ۲۵ سال را در این قسمت از کارخانه گذراندم. دو دوره نماینده کارگران در سندیکا بودم و در دوره ی سوم از طرف مقامات مسوول سلب عضویت شدم. فعالیت سندیکای لوله سازی اهواز بین سالهای ۷۶ تا ۸۲ ادامه داشت که با اعتصابات و افت و خیزهای بسیاری همراه بود.

**سوال: خصوصی سازی در این کارخانه چگونه آغاز شد و به چه نتایجی انجامید؟**

– این کارخانه که در ابتدای سرنگونی شاه و استقرار رژیم جدید به دست کارگران افتاده بود، هیچ گاه در تولیدش وقفه ایجاد نشد. سرمایه دار سابق این کارخانه را در رهن بانک صنعت و معدن قرار داده بود و از آن طریق وامی کلان گرفته و به خارج گریخته بود. از آن زمان به بعد کارخانه در مالکیت سازمان گسترش و نوسازی صنایع قرار گرفته بود و سپس به بانک صنعت و معدن واگذار شد.

کارخانه تا سالهای ۱۳۷۶ و دوره ی جنگ مشکلی نداشت. کوره های این کارخانه در دوران جنگ با تغییر خط تولید با تمام ظرفیت مشغول به کار بود و یکی از بزرگترین پستوانه های جنگ بود. پس از جنگ دوباره به همان حالت اولیه بازگشت. کارگران با همه ی وجود در هر دوره برای حفظ کارخانه تلاش می کردند.

### سوال: چه شد که این کارخانه به بخش خصوصی واگذار شد؟

به گفته ی مسئولان کارخانه در دوره ی اصلاحات دچار مشکلات مالی شد. هر چند که مشکلات مالی در چنین صنایعی امری عادی است اما برای من که در همان زمان نماینده کارگران بودم مشخص نشد که چرا این کارخانه به معرض فروش گذاشته شد. کارخانه اولین بار به شخصی به نام علی شفیعی واگذار شد. او سرمایه داری بود که از دبی به ایران آمده بود. او که در دوره ی اصلاحات وارد ایران شد، سرمایه داری جنجالی بود. او همان کسی است که باشگاه استقلال را خرید. این سرمایه دار که نه برای راه اندازی کارخانه بلکه تنها برای بردن اموال کارخانه آمده بود، ابتدا به بهانه ی پیشرفت تکنولوژی دستگاه های کارخانه را باز کرده و فروخت.

او هیچ تخصصی در امر ذوب فلزات نداشت. هنگامی که ما به آن اعتراض می کردیم می گفتند می خواهیم جای آن دستگاه های پیشرفته تر بیاوریم. اما پس از مدتی هیچ دستگاه جدیدی جایگزین آنها نشد. همچنین این سرمایه دار کلیه کالاهای قابل فروش کارخانه را به فروش رساند و آن را به پول نقد تبدیل کرد هر چه کالای ساخته شده در کارخانه بود می فروخت. به بهانه بازسازی ساختمان های کارخانه، هر مقدار وسایلی که می توانست از ساختمان های قدیمی به پول تبدیل کند آنها را به خارج کارخانه منتقل می کرد. کولرها، درب و پنجره ها، آهن آلات سقف کارخانه و تاسیسات و هر آن چه قابل تبدیل به پول بود فروش می رفت. در و پنجره کارخانه که از آلومینیوم بود کنده شده و فروخته می شد.

در مقابل این اعمال کارگران کارخانه دست به اعتراض زدند که کارخانه در حال تخریب است. بارها در صحن کارخانه دست به اعتراض زدیم اما هیچ کس توجه نمی کرد. من به عنوان نماینده کارگران تمام این مسایل را به مقامات مسوول از خانه کارگر تا استانداری گزارش می دادم. اما هیچ عکس العملی از سوی مقامات مشاهده نمی شد. او حدود دو سال به غارت کارخانه مشغول بود و با نام خصوصی سازی هر چیز باارزشی که در کارخانه می دید به فروش می رساند. این که این سرمایه دار چه سر و سری با مقامات داشت بر ما معلوم نیست. تنها برای ما مشخص بود که اعتراض هایمان به جایی نمی رسید. در این دوره کارگران چندین بار اعتراض و تحصن کردند. اما هیچ کس پاسخگو نبود.

علی شفیعی اساسا با صنعت کارخانه کاری نداشت. پس از دو سال که هر چه بود را فروخته بود، کارخانه را به فردی به نام حاج میرزایی که از دلایان آهن قراضه بود واگذار کرد. او تنها یک فرد واسطه ای بود که در بازار، آهن آلات و فلزات قراضه را معامله می کرد و هیچ اطلاعی از صنعت نداشت. این فرد کارخانه را به صورت انبار آهن آلات فرسوده نگاه می کرد. این که کارخانه با چه قیمت به این فرد واگذار شده بود بر ما معلوم نیست. اما در چنین معامله هایی مشخص است که خریدار آهن قراضه و یا مواد باطله کارخانه را کیلویی قیمت گذاری می کند.

حاج میرزایی کارخانه را تحویل گرفته و مالک جدید کارخانه شد. او دیگر تمام انبارها را خالی کرد و هر چه را که باقی مانده بود و قابل فروش بود می فروخت. حاج میرزایی شروع به غارت کارخانه کرد. اما این بار کارگران در مقابل او سخت مقاومت کردند و از بیرون رفتن مواد اصلی کارخانه جلوگیری کردند تا آنکه پس از هفت الی هشت ماه مجبور شد در مقابل مقاومت کارگران کارخانه را ترک کند.

### سوال: اکنون وضعیت کارخانه به چه صورت است؟

حاج میرزایی کل ملک را که حدود ۲۲ هکتار زمین است و در بهترین نقطه ی اهواز قرار دارد به فردی به نام

عشقی واگذار کرد. کارخانه اکنون در اختیار این فرد است. اما از کل پرسنلی که قبلا نزدیک به ۲۵۰۰ نفر بود، تنها حدود ۷۰ نفر در کارخانه مانده اند. بیشتر کوره ها غیر فعال شده، فقط دو کوره کار می کند. آن هم به نوبت، یعنی هر روز یکی از آنها فعال است. ۴ کوره ی دیگر خاموش است. از لوله سازی خبری نیست. آهن قراضه را در کوره می ریزند و تبدیل به شمش می کنند. فولاد هایی که در ابتدا با تجزیه و بررسی میزان منیزیم و سیلیس و سایر مواد لازم را در آن اندازه گیری می کردند تا لوله های باکیفیت تولید شود، اکنون به دست فراموشی سپرده شده است. تنها شمش های چدنی تولید می شود که در حقیقت می توان گفت از آن کارخانه بزرگ تنها یک ریخته گری سنتی باقی مانده است.

**سوال: از تلاش های سندیکا و کارگران برای حفظ کارخانه بگویید؟؟**

اعتراضات کارگران در لوله سازی شامل دو بخش بود. یکی آنکه به روند خصوصی سازی آن به این شیوه که کارخانه به حراج گذارده شود اعتراض داشتیم که این اعتراضاتمان را در نامه نگاری به مقامات و تجمع ها و تحصن ها در جلو استانداری و فرمانداری و یا در خود کارخانه اعلام میکردیم. علاوه بر آن در دوره خصوصی سازی بسیاری از اوقات اتفاق می افتاد که حقوق کارگران بین ۳ ماه تا ۹ ماه به تعویق می افتاد و سرمایه داران خصوصی کارخانه ترجیح میدادند به جای پرداخت حقوق کارگران از پولهای کارخانه در جای دیگری استفاده کنند و این در حالی بود که کارگران در آن شرایط سخت کار میکردند ولی به خاطر مخارج زندگی شرمند خانواده خود بودند و باید با شکم گرسنه به کار ادامه میدادند.

در این شرایط کار به استخوان کارگران میرسید و به خیابان ها میریختند که متأسفانه در این موارد نیرو های نظامی و امنیتی به جای آنکه با کارفرمایان غارتگر کارخانه برخورد کنند با کارگران برخورد میکردند. بسیاری از کارگران در این موارد دستگیر شده و مورد ضرب و شتم نیرو های نظامی و انتظامی قرار میگرفتند و برای مدتها بازداشت میشدند. خود من یک بار ۱۵ روز و یک بار چهار روز و یک بار هم ۲۴ ساعت بازداشت بودم. درحالی که کارگران بسیاری به مدت یک هفته و یا چند روز بازداشت میشدند، اما برای نمونه حتی یک روز هم سرمایه داران غارتگر کارخانه بازداشت یا حتی احضار هم نشدند. در حالی که در بسیاری از کشورها نپرداختن حقوق کارگر جرم محسوب میشود.

سوال: خصوصی سازی ها اکنون از کارخانجات گذشته و به آموزش و پرورش و دانشگاه ها و مراکز علمی رسیده است.

**به نظر شما برای جلوگیری از غارت منابعی که متعلق به مردم است چه چاره ای باید اندیشید؟**

آن زمان که کارگران برای مقابله با خصوصی سازی ها خیابان ها را اشغال میکردند متأسفانه سایر بخش ها هنوز جوانب مخرب این خصوصی سازی ها را نمیدانستند و با کارگران همراهی نمیکردند اما امروز که خصوصی سازی ها به بخش های آموزش و پرورش و دانشگاه ها بخش بهداشت و درمان رسیده است صدای اعتراض آنها هم بلند شده است. هیچ سرمایه داری به خاطر خدمت به مردم موسسه اقتصادی را خریداری نمیکند، بلکه سرمایه داران در زدو بند با محافل قدرت موسسه اقتصادی را تصاحب میکنند تا از آن سودهای باد آورده ببرند. متأسفانه مسوولان خصوصی سازی هم به فکر خدمت به مردم نیستند و تنها میخواهند از زیر بار خدمت به مردم شانه خالی کنند. در این گریو دار این تنها مردم و کارگران و زحمتکشان هستند که این غارت اموال دچار خسارت شده و روز به روز فقیرتر میشوند. پس اکنون که همه از مضرات و ویرانی های خصوصی سازی آگاه شده اند و حتی یک موسسه اقتصادی نیست که پس از واگذاری به سرمایه داران خدمات بهتری ارائه داده و یا اشتغال بیشتری ایجاد کرده باشد، چاره کار آن است که همه مردم از همه اقشار یک صدا به این سیاستها اعتراض کرده تا هرچه زودتر جلوگیری بیشتر و غارت اموال مردم گرفته شود.

\*\*\*

**۱۶ آذر، روز مقاومت دانشجویان بر علیه استبداد و امپریالیسم گرامی باد!**

۱۶ آذر ۱۳۳۲ به عنوان روز «مقاومت تاریخی» بر علیه استبداد و استعمار در تاریخ مبارزاتی دانشجویان ایران ثبت شده است. مبارزه دانشجویان دانشگاه تهران بر علیه دادگاه فرمایشی و ارتجاعی دکتر محمد مصدق و بر علیه سفر نیکسون معاون وقت رئیس جمهوری امپریالیسم آمریکا در ایران بازتاب وسیعی داشت. در این روز در پی یورش نیروهای امنیتی و گارد به دانشکده فنی دانشگاه تهران و درگیری میان آنان و دانشجویان، سه دانشجوی مبارزین دانشگاه شریعت رضوی، مصطفی بزرگنیا و احمد قندچی در راه میهن و برای آزادی و استقلال جان باختند و دهها تن مجروح و بازداشت شدند. از آن پس همه ساله، دانشجویان دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه های سراسر ایران مراسمی به یاد شهیدان آن روز برپا کرده و در دوران سیاه جمهوری اسلامی نیز دانشجویان این روز را همواره گرامی داشته اند. جنبش چند سال اخیر دانشجویی ایران با الهام از نسل گذشته و دستاوردهای پربار و ارجمندی که این نسل برای آنها بارث گذارده است خیزش انقلابی و خیره کننده ۱۸ تیر ۷۸ را آفرید که با جنبش دموکراتیک، ضد سلطنت و ضد

امپریالیستی پیوندخورد. این جنبش ناقوس مرگ رژیم اسلامی را به صدا درآورد و همانند ۱۶ آذر بازتاب درد و رنج عمومی مردم ایران بود.

یاد همه دانشجویانی که در مبارزه علیه رژیمهای تبهکار شاه و شیخ جان باختند، گرامی باد

## **بیانیه و اعتراض بیش از هزار دانشجو در دانشگاه تهران**



در روز ۱۶ آذرماه ۱۳۹۴ به مناسبت روز دانشجو، برخی از سران دولتی و چهره‌های باصطلاح اصلاح طلب در تعدادی از دانشگاه‌های ایران در فضایی بسته و محدود به سخنرانی پرداختند تا بخیال خود دانشجویان را با حسن روحانی و برنامه‌های نئولیبرال او همراه سازند. اما در دانشگاه تهران، بیش از هزار دانشجوی مبارز در خیابان‌های دانشگاه تهران به رغم حضور نیروهای سرکوبگر انتظامی دست به راهپیمایی و اعتراض زدند. فریاد دانشجویان علیه خصوصی‌سازیها و شعارهایی نظیر "دانشگاه پول گردان، تضعیف زحمتکشان"، "آموزش رایگان حق مسلم ماست"، "پردیس بین الملل، انحلال انحلال"، "امکانات برابر، حق مسلم ماست"، "آموزش خصوصی، نمی‌خواهیم"، "در دانشگاه بیگاری، بعد از تحصیل بیگاری"، "استاد دانشگاه، دلال پروژه" و... لرزه بر اندام کاربدستان رژیم انداخت. این تجمع نشان داد که جنبش دانشجویی موجی نیست که آرام گیرد. دانشجویان شجاع دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران دانشگاه تهران بیانیه‌ای صادر کردند که بیانگر اوضاع اسفناک دانشگاه و بازتابی از وضعیت دردناک مردم ایران است. متن کامل این بیانیه که به نام دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران منتشر شده است، به شرح زیر است:

### **بیانیه اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران**

#### **دانشجو هستیم؛**

نه از اعضای تشکلهای وابسته به گروه‌های سیاسی خارج از دانشگاه، نه از انجمن‌اسلامی و نه از بسیج، تشکلهایی که به جای خواست‌های ما، منافع و مطالبات اربابان خود را دنبال می‌کنند؛ و نه از نورچشمی‌های مسئولان و مدیرانی هستیم که دانشگاه را با بازار خریدوفروش دانشجو اشتباه گرفته‌اند.

ورود نهادهای نظامی، سیاسی و امنیتی به درون دانشگاه‌ها و ایجاد مؤسسات و دانشکده‌های موازی در ساختار دانشگاه استقلال این نهاد را خدشه‌دار می‌کند؛ این مؤسسات و دانشکده‌ها در بسیاری از دانشگاه‌های کشور نفوذ پیدا کرده‌اند که نمونه بارز آن در دانشگاه تهران؛ دانشکده‌های علوم و فنون نوین، کارآفرینی و مطالعات جهان هستند. سکوت و دادن باج‌های کلان از طرف مدیران دانشگاه که در واقع همدست و جاده صاف کن این گروه‌ها هستند به این روند شتاب بیشتری داده است و نتیجه آن جز تبدیل دانشگاه به بازوی این نهادها و گروه‌های سیاسی و نظامی نخواهد بود. آنچه ما را واداشت که صریح و بی‌پرده، مردم و افکار عمومی را خطاب قرار دهیم، دردها و مصائبی است که بی‌امان بر سر ما آوار کرده‌اند و هر بار در جواب حق طلبی ما، یا تهدید کرده‌اند یا وعده داده‌اند. اکنون این خلف وعده‌ها و تهدیدها ما را به ستوه آورده است. این چنین است که به نزد شما به دادخواهی آمده ایم. به واقع؛ پیامدها و مراتب این وضعیت وخیم‌تر از آن است که صاحب نظران تصور می‌کنند. ما از درون دانشگاهی با شما سخن می‌گوییم که اکنون تبدیل به یک بنگاه تجاری شده است. تمام امکانات دانشگاه که می‌بایست به صورت برابر در اختیار همگان باشد، به بهانه‌هایی همچون افزایش

کارایی و کاهش هزینه‌ها، مشمول خصوصی‌سازی افسارگسیخته و کالایی شدن شده است. در حالی که این کار جز فشار مضاعف اقتصادی و سلب امکانات از دانشجو تا کنون پیامد دیگری نداشته است. ما همچون کارگران که بیرون از دانشگاه از بنیادی‌ترین حقوق خود یعنی بهداشت، آموزش و مسکن همگانی محروم شده‌اند، در درون دانشگاه از ستم مضاعفی رنج می‌بریم. هرگز تاب نمی‌آوریم که امروز از محل مالیات مردم، کیف پول الکترونیک بانک فخریه تجارت شارژ شود و فردا از جیب ما دانشجویان ما هشدار می‌دهیم انحلال و سرکوب نهادهای مستقل دانشجویی همچون شورای صنفی مرکزی که تلاش‌ها برای احیای آن تا امروز به بن بست رسیده است، نتایج نامطلوبی دارد. رشد تشکل‌های قدرت ساخته که هیچ ارتباطی با بدنه دانشجویی و مشکلات آنها ندارند یکی از آن نتایج نامطلوب است. دخیل نبودن دانشجویان در روند برنامه ریزی‌های کلان دانشگاه و عدم نظارت آنان بر طرح‌هایی که سرنوشت آنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، پیامد دردناک این رفتار دانشجو ستیز است. ما خواهان آن هستیم که شکل‌گیری و تصویب آیین نامه‌ی تشکل‌های دانشجویی باید با حضور و همفکری مستقیم دانشجویان باشد نه اینکه این آیین نامه‌ها در اتاق‌های دربسته و بدون مشورت دانشجویان نوشته و تصویب شوند.

ما هشدار می‌دهیم و اگذاری امکانات و اموال دانشگاه نظیر تأسیسات، اینترنت، فضای سبز، سالن‌های ورزشی و سرویس‌های ایاب و ذهاب به پیمانکاران معلوم الحال در راستای کالایی کردن آموزش است و دست اندرکاران این خیانت بزرگ که عناوین مسئول و مدیر را دارند با نوع مدیریت شان دسترسی به حداقل‌های زندگی را برای ما محدود می‌کنند. ما هشدار می‌دهیم راه اندازی و گسترش پردیس‌های بین الملل که در حال تسخیر فضای آموزش عالی کشور و دانشگاه‌های دولتی است، نتیجه‌ای جز تبدیل دانشگاه به بازار آزاد خرید و فروش مدارک دانشگاهی ندارد. این روند باعث افزایش مدرک دارهای بی تخصص می‌شود که اکثر آنها از طبقات بالای جامعه و احتمالاً آفازده‌های آینده کشور هستند. ما هشدار می‌دهیم این صحنه آرایی خطرناک و روابط غیرشفاف بین مدیران باعث تضییع حقوق مردم و تاراج بیت المال می‌شود. نمود این روابط را می‌توان در تخلفات مالی گسترده‌ای دید که یکی از موارد آن هزینه‌های خلاف قانون و آیین نامه صندوق رفاه است که از دانشجویان دریافت شده است. مورد دیگر آن زمین خواری‌های بزرگ از کوی دانشگاه به نفع پردیس دانشکده‌های فنی است. این روند نتیجه‌ای جز نابودی و تصرف هست و نیست دانشگاه و خوابگاه و ایجاد جو بی اعتمادی وسیع علیه مدیران و مسئولان دانشگاه ندارد.

ما هشدار می‌دهیم بومی‌گزینی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی که با توجیهات و دلایل غیرکارشناسی مسئولین وزارت علوم در حال انجام است پیامدهای ناگواری دارد. این دلایل که نه، این بهانه‌ها همچون افت تحصیلی دانشجویان خوابگاهی و جلوگیری از مهاجرت‌های درون کشوری در واقع چیزی نیست جز شانه خالی کردن دولت از انجام مسئولیت‌های اجتماعی خود و باعث ایجاد شکاف عمیق بین شهرستان‌ها و مرکز می‌شود. ما هشدار می‌دهیم امنیتی کردن فضای دانشگاه و برخوردهای شدید با فعالان دانشجویی باعث ایجاد سرخوردگی و ناامیدی در بین دانشجویان و خانواده‌های آنان می‌شود. این سرخوردگی و ناامیدی و تضعیف نهادهای دانشجویی توسط کمیته انضباطی منجر به حذف شدن صدای دانشجو خواهد شد. آیا کمیته انضباطی در کنار احضار و تهدید دانشجویان و خانواده هایشان نسبت به برخوردهای فیزیکی یکی از اساتید دانشکده ادبیات و معاونت اداری مالی کوی دانشگاه با دانشجویان، عکس العملی داشته است؟ ما هشدار می‌دهیم تبعیض مضاعف بر زنان و دختران دانشگاه باعث سرخوردگی و ایجاد شکاف جنسیتی می‌شود. این تبعیض شامل محدود کردن بی منطق ساعت‌های رفت و آمد، فشارهای مضاعف حراست و کمیته انضباطی، محدودیت‌های اجتماعی و کنترل شدید آزادی‌های فردی و حتی موارد بدیهی مثل، امکانات رفاهی ضعیف تر نسبت به دانشجویان پسر می‌شود. دختران خوابگاهی از امکاناتی همچون اینترنت، آب گرم، فضای بدون محدودیت برای استراحت و ده‌ها مورد ریز و درشت دیگر محروم هستند. ما هشدار می‌دهیم محدود کردن فعالیت‌های فرهنگی و کارشکنی پی در پی در فعالیت این کانون‌ها نتیجه‌ای جز زدن آخرین تیر بر جسم نحیف فرهنگ و هنر ندارد. عدم ایجاد امکانات مناسب برای امور فرهنگی و هنری و حتی استفاده نکردن از امکانات موجود و بهانه تراشی‌های متعدد در دادن مجوز برای برنامه‌های فرهنگی، از دردهای بیشمار این بخش از زندگی دانشجویان است.



ما هشدار می‌دهیم وضعیت اسفباری که دانشجویان معلول و نابینا در آن به سر می‌برند باعث انزوای هرچه بیشتر این عزیزان خواهد شد. تخصیص کمترین امکانات آموزشی و رفاهی و عدم حمایت و دستگیری از طرف مسئولین، نتیجه‌ای جز محرومیت مضاعف و آسیب پذیری تحصیلی و اجتماعی بیشتر این قشر نخواهد داشت. ما هشدار می‌دهیم محدودیت‌هایی که بر دانشجویان متأهل تحمیل می‌شود، پیامدهای اجتماعی ناگواری دارد. امکانات اسفبار خوابگاهی، کاهش ظرفیت خوابگاه‌های متاهلی، اخذ هزینه‌های گزاف برای تعمیرات خوابگاه از دانشجویان و انواع و اقسام تبعیض‌ها که بر این دانشجویان روا داشته می‌شود، نتیجه‌ای جز تزلزل روابط خانوادگی و افزایش نرخ طلاق در بین دانشجویان نخواهد داشت. این رویه خلاف شعارهای همیشگی مسئولان در مورد تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده است و متأسفانه خود مانعی در برابر آن می‌باشد. ما دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران؛ خواهان پاسخگویی صریح شخص رئیس دانشگاه، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزیر آموزش و پرورش در مورد مسائل فوق هستیم و تا حل کامل تمامی مسائل دست از مطالبات به حقمان نخواهیم کشید.

«دانشگاه ملک شخصی کسی نیست و باید برای همگان باقی بماند.»

دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران

شانزدهم آذر نود و چهار

\*\*\*\*

## میان ماه من با ماه گردون کودتای خزنده اولاند و شرکاء در فرنگستان

باز جانوری حسابگر بنام «داعش»! غروب روز جمعه، ۱۳ ام نوامبر، همین ماه جاری، در آستانه برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی با حضور رهبران دهها کشور جهان در فرانسه برای مذاکره در مورد چگونگی کنترل تغییرات جوی - با وجود کلی تدابیر امنیتی فوق‌العاده... از خطوط قرمز چندین کشور محفوظ اروپای پرنسنتاره عبور کرد و در پاریس و حومه کشتار براه انداخت. میوه تلخ آن نهالی را که باند ناتوچپها در یوگسلاوی و عراق و افغانستان و لیبی و مالی و... کاشته بودند بخورد بی خیالان فرنگستانی داد. می‌گویند که ۱۳۰ نفر از شب زنده داران پاریس در این حمله تروریستی جان باختند...

اولاند عیاش، شمشیر از روبرست... و مثل مرشد فقید، میتران رسوا، پتن ایست قدیمی، مسئول شکنجه و کشتار استقلال طلبان الجزایری در سال‌های ۵۰ و ۶۰ سده منقضی، گویا بخاطر تضمین امنیت «هم وطنان»! خواهان برقراری نوعی شرایط اضطراری شد. بوزینه‌های پارلمانی - از چپ خاویاری «اکولوژیست و سوسیالیست و کمونیست» گرفته تا جم هوری خواهان راست و میانه و افراطی با طرح پیشنهادی دولت جهت برقراری یک شرایط اضطراری سه ماهه در فرنگستان، یعنی حکومت «نظامی»! موافقت کردند.

نیمچه کودتای اولاند، مدیر عامل منفور بنگاه کارچاق کنی الیزه، جنبه قانونی هم پیدا کرد. طبق همین «قانون»! دولت اعتصاب مجاز کارکنان کمپانی Air-France را اجازه نداد. اعتراضات و تظاهرات برای کارگران و زحمتکشان و روشنفکران «یاعی»! سندیکاها، سازمان‌ها و احزاب انقلابی و کمونیست در ملاء عام - تا اطلاع ثانوی ممنوع شدند. اختناق که شاخ و دم ندارد.

خیلی احتمال دارد که این «اطلاع ثانوی»! مدت‌ها بدرازا بکشد. شاید بهمین علت شرایط اضطراری سه ماهه قابل تمدید اعلام شد. نکند که بازی تروریسم «اسلامی»! دنباله دار باشد؟ بعید نیست. چون می‌گویند پلیس اطلاع موثق دارد که ۲۰۰۰۰ مرجوعی فرانسوی - جهادبست‌های «آرام»! بکشور خویش باز گشته و حتی از اسم و رسم و محل دقیق سکونت شان در شهرهای مختلف کشور با خبر است. خدا را هزار مرتبه شکر. ولی آمدیم و این جهادبست‌های «آرام»! باز هوس انتحار کردند...

این اولین بار نیست که شماری از جهادبست‌های فرنگستانی - آنانکه «خود سرانه»! درست در جهت استراتژی ویرانگر ناتو، یعنی بقصد تغییر رژیم و براندازی دولت سوریه، بطور غیر قانونی وارد این کشور شده بودند... پدر خوانده منگ و بیمار و نزار، بناپارتیسم فرتوت را در سرزمین امن پایگاه - در خرگاه موروئی اش «غافلگیر»! برای اولاند عیاش و بی‌مقدار، رئیس جم - هور منفور فرانسه، بازار گرمی می‌کند. رابطه گوز و شقیقه. پیدا کنید پرتقال فروش را...

اولین بار نیست که تروریسم «اسلامی»! بسایق اشغالگران آروغ فرمانروائی می زند. نفس کش می طلبد. با ایجاد هراس، اضطراب و آشفتگی، تنش های قومی و مذهبی، رخوت و سرخوردگی، تشدید نژاد پرستی، بیگانه ستیزی... بسود ارتجاع «معصوم»! مسائل کلیدی: عدم تحرک اقتصادی، بحران جاری، تعطیل واحدهای تولیدی و بازرگانی، خدماتی و آموزشی، پس رفت مستمر اشتغال، بیکاری انبوه کارگران، کاهش دستمزد، افزایش قدرت خرید همگانی و... را به حاشیه می راند. باب طبع ضد انقلاب «مظلوم»! جلوی اعتراضات و اعتصابات، رشد جنبش کارگری در جهان سرمایه داری را می گیرد. افکار عمومی را بسمت ملیتاریسم افسار گسیخته امپریالیسم آمریکا و شرکاء در مناطق دور دست هل می دهد. برای استراتژی ویرانگر ناتو در خاورمیانه هوادار درست می کند. بیچاره الن گرش...

از شما چه پنهان که تروریسم «اسلامی»! دیروز القاعده و امروز داعش... اصلا برای تضمین امنیت نوع غربی سرمایه در شرایط اضطراری علم شد. این هیولای بی قواره، قانون گریز و تولید ستیز - با چراغ سبز محافل «خوبان»! در خلوتکده های بی نام نشان سازمان سیا پا گرفت، طول و عرض پیدا کرد (نقل از اعترافات مکتوب برژینسکی، از مشاوران امنیتی دائم کاخ سفید)، زیر سایه امپراتوری «پول»! الیگارش مالی، ایضا قانون گریز و تولید ستیز... در بستر مناسبات متداول، تقسیم کار جاری و امپریالیستی رقم خورد.

پس پای یک ارتش حرفه ای، سیار و تمام عیار برای شرایط اضطراری در میان است، ارتشی حاضر به عراق، تشنه نفت و گاز مجانی، مواد خام و انرژی، شیفته کار غیر، دارائی و اموال دیگران - دلار بدون پشتوانه در توبره دارد و با گرین کارت آمریکا سفر می کند. پیداست که این جانور حریص «اسلامی»! اهلی امپریالیسم آمریکا و شرکاء، بی طرف نبوده و نیست، بساز پدر خوانده در قالب بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی... می رقصد. تیر هوائی شلیک نمی کند، با فضای زیست خود، تسلط غرب بر تولید و بازرگانی جهان هماهنگی دارد...

سخن برسر یک شگرد استعماری «نوین»! شامورتی بازی غرب در عصر امپریالیسم، الیگارش مالی، برسر خودکامگی سرمایه تنزیلی در اوضاع و احوال جاری جهان است. تذکری برای رعایت شرط بلاغ... فراموش نکنیم که امپریالیسم محرک مادی و تاریخی، اقتصادی و اجتماعی دارد - جدا از کار و سرمایه، تولید و مبادله، مستقل از تمرکز عمودی ثروت و توسعه عرضی فقر در دوران معاصر، پراتیک سرمایه داری در بستر مالکیت خصوصی نیست.

تسلط غرب بر تولید و بازرگانی جهان معاصر نه تئوریک، بلکه یک واقعیت خارجی است. تاریخ مکتوب گواهی می دهد که غرب با راهزنی، ترور و کشتارهای نوبتی بازی را برد، از راه دوشیدن کارگران خودی، مصادره دارائی و اموال خلق ها و ملت های غیر خودی بر تولید و بازرگانی جهان مسلط شد. تضاد اصلی دوران معاصر در همین تسلط غرب بر تولید و بازرگانی جهان لانه دارد. تاریخ تسویه حساب با این نهاد منحط و بازدارنده، ماشین توطئه و ویرانگری را در دستور کار قرار داده است...

مارکس اولین کسی بود که اصطلاح امپریالیسم را بکار برد تا نشان دهد که تمرکز عمودی سرمایه در یک کشور واحد، انگلستان در میانه سده نوزدهم میلادی، تکامل اقتصادی، شرط لازم برای گسترش جنبش کارگری در اروپا و آمریکای شمالی را اجازه نمی دهد. فراموش نکنیم که این هشدار مارکس مترالیست متوجه خصلت مولد سرمایه داری است، به پیش از استقلال تمام عیار سرمایه مالی از تولید، سرمایه تنزیلی از زیست جمعی انسان ها باز می گردد. با ادغام تدریجی سرمایه مالی و صنعتی بسود سرمایه مالی، هیولائی رقم خورد، قانون گریز و تولید ستیز، امپراتوری پول، نوعی دارائی «محض»! که به هیچ صراطی مستقیم نیست، از هیچ مرجعی اطاعت نمی کند و به هیچ کسی هم حساب پس نمی دهد. با کشف همین مولفه های ساختاری بود که **لنین بوجود امپریالیسم** بعنوان یک دوران کامل اقتصادی پی برد، مارکسیسم را با داده های علمی و تاریخی هماهنگ کرد و تئوری و تاکتیک پرولتاریا را در عصر امپریالیسم تدوین نمود.

کافی است که تسلط انحصاری غرب بر تولید و بازرگانی جهان را با چشم باز بنگریم. حاوی تضاد اصلی در دوران معاصر... میراث خواران استعمار کهن به هیچ صراطی مستقیم نیستند. غرب «متمدن»! توان جنیندن ندارد. ولی نمی گذارد که دیگران بجنیند. پس رفت خود را باور نمی کند. پیشرفت دیگران بر نمی تابد. هنوز در سده نوزدهم میلادی بسر می برد. امپریالیسم آمریکا خود را بدیل طبیعی امپراتوری رم می پندارد. لردیسم خواب فرمانروائی می بیند. بناپارتیسم بفکر فتح قاره هاست...

اصطلاح احمقانه «اتحادیه بین المللی»! شامل ۴ یا ۵ کشور غربی فقط چند صد میلیون از هفت میلیارد جمعیت جهان معاصر را در بر می گیرد، اصلا بی معنی، حرف مفت است. کار بجائی کشیده که مثنی میلیارد فاسد و زائد و احمق، آمریکائی و انگلیسی و آلمانی و فرانسوی و اسرائیلی و هلندی... «پدرانه»! در مورد تمام مسائل استراتژیک، اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، نظامی و حقوقی و آموزشی... سرنوشت تمام خلق ها، بود و نبود همه ملت ها و دولت ها، در مورد چگونگی استمرار زیست جمعی در تمام کشورها، خودی و غیر خودی، بیشرمانه و وقیح حرف آخر را می زند: یوگسلاوی نباشد، عراق تجزیه شود، سوریه ویران گردد، اسد برود، فیدل کاسترو ۵۹ بار ترور شود، میلوزویچ سخته

کند، بمیرد، عرفات مسموم شود، چاوز نباشد، مادورو حرفی نزند، مورالس کاری نکند، موگابه مزاحم است، وحدت خلق واحد و دلاور کره صورت نگیرد، کشورهای آفریقائی و آسیائی پنبه نکارند، ایران ما تاسیسات هسته ای نداشته باشد، برزیل طیاره نسازد، هند ماشین نفروشد، این مال روسیه، آن برای چین...  
 پدر ملت دنیا اگر این سگ پدر است به چنین ملت و قبر پدرش باید رید

\*\*\*

## مقاله ای از حزب کمونیست مارکسیست لنینیست ونزئولا پیرامون پیروزی اپوزیسیون ارتجاعی

<http://pcmlv.blogspot.com/2015/12/editorial-acero-revolucionario-n-37.html>

### دوره ای خطرناک از پیشروی خط راست

ما احتمال پیروزی اپوزیسیون در مجلس شورای ملی کشور را پیشبینی نمودیم. این احتمال را ما در مواضع سیاسی مان بارها بیان کرده ایم: در مقاله ای در نشریه "اتحاد و مبارزه" شماره آوریل ۲۰۱۵؛ در سرمقاله های متعدد در نشریه مان که در آنها آمده است "وزارت خارجه آمریکا میکوشد تا نیروهای مترقی مجلس شورای ملی را در انتخابات ۲۰۱۵ از اکثریت برکنار کند و با اقدامات سیاسی و انتشار بیانییه ها میخواهد وضعیت مناسبی برای لغو ریاست جمهوری مدورا و برگزاری رفراندوم جدید در ۲۰۱۶ ایجاد نماید، این در زمانی است که امپریالیستهای آمریکائی به محاصره اقتصادی کشور ادامه میدهند و نیروهای خود را برای خرابکاری خشونت بار و، چنانچه سناریوی تعویض رئیس جمهوری بشکست کشیده شد، برای تجاوز نظامی مستقیم آماده میکنند. لازم است که گفته شود که ما باندازه کافی بر وجود چنین سناریویی از طرف ارتجاع یا فشاری نکردیم و انتظار این میزان رای مخالف به سیاستهای دولت را نداشتیم زیرا این مخالفت پایه های ایدئولوژیک ندارد و بیان نارضایتی مردم از سیاستهای اقتصادی دولت است که بخشی از آن ریشه در اقدامات امپریالیستها دارد و بخش مهمتر آن ریشه در جبرونی و بی شهامتی دولت در اتخاذ و اجرای اقدامات قاطع بر علیه بورژوازی، علیرغم تهدید در بکارگیری "مشت محکم" دارد.

سیاست اقتصادی دولت بر واردات پایه گذاری شده است و محرک تولید و کار افراد نیست و هدف آن حفظ وفاداری بر اساس و نام و شخصیت چاوز و مزایا میباشد، مزایائی که بر اساس شایستگی در کار اختصاص داده نشده اند. اینها به همراه انحطاط اخلاقی بوجود آمده توسط پارتی بازی، فساد، ناکارآمدی پایه های یک شکست خرد کننده را تشکیل دادند.  
 انتخابات ۶ دسامبر ۲۰۱۵ بر پایه احساساتی گری و رفتن به مهمانی استوار بود، ساختار آن بر خرده افکار روانشناسان ناامیدی استوار بود که نشسته بر میل نرم و گرم تلاش دارند آگاهی مردم را دستکاری کنند بدون آنکه نیاز واقعی اکثریت متأثر از "جنگ اقتصادی" را در نظر بگیرند و همچنین ضرورت آبی برخورد قاطع به سازش با بورژوازی را خارخ از خواست مردم دانسته و آنرا عملی نکنند.

مارکسیست لنینیست ها هم باید با خود انتقادی علل عدم درک عمق ریزش، عدم پیش بینی سطح شکست انتخاباتی، و اجزاء علل ترک و عدم حضور بخش مهم شهرنشینان در روند انتخابات را ارزیابی کنند.  
 بسیار آزار دهنده است اگر آنچه که اتفاق افتاد نه فقط یک شکست انتخاباتی بلکه شکستی راهبردی و گردش بر است توده ها در نفی سیاستهای نادرست دولت باشد.

ما بر این اصرار داریم که کشورمان نیازمند به یک انقلاب واقعی است، نیازمند به طرح و اتخاذ برنامه ای است که بر کار تولیدی پایه ریزی شده باشد، نیازمند پرداخت پاداش به کوشش هائی است که توسط طبقه کارگر هدایت شوند. همانطور که ما بارها گفته ایم اولین اقدام باید گفتن حقیقت به توده ها باشد و نه ادامه عمدی این توهم که بحران بر ما بی اثر بوده و ما بهمان سیاستها ادامه خواهیم داد در حالیکه در آمد نفتی ناچیز است، ما باید مردم را به کارکردن تشویق کنیم، صنایع، کشاورزی، و ماهیگیری را توانمند کرده و بسط دهیم، باید تولید را در همه سطوح افزایش داده تا نیازهای مردم برآورده شوند.

لازم و اضطراری است که انتظارات و آرزوهای مردم، بویژه عقب مانده ترین آنها، برآورده شده و از طریق انقلابی و بطور عاقلانه بسمت پیشرفت هدایت شوند. ما باید توجه بیشتری به علائم تغییر در ذهن توده ها داشته باشیم تا در حین خنثی کردن تبلیغات رفرمیستی و ارتجاعی بتوانیم بر شتاب جنبش انقلابی توده ها بیفزائیم، لازم است که بلوک بندی و اتحادها را زیر نظر داشته تا بتوانیم بطور پیوسته و عینی واقعیت جامعه را دنبال کنیم.

میتوان استدلال آورد که کارزار بلوک راست در انتخابات ۶ دسامبر ۲۰۱۵ از نوع خاصی بود، در چارچوب یک مبارزه حاد طبقاتی، که کمیابی مایحتاج و احتکار و نتیجتاً صفهای طولانی در مرکزیت کارزار انتخاباتی هارترین بخش بورژوازی قرار گرفت و علیرغم آنکه این بنظر فقط تبلیغات انتخاباتی بود اما در واقع بشکل طرد دولت ظهور کرد.

علیرغم اشتباهاتش، حزب سوسیالیست متحد وئزونا بزرگترین نیروی سیاسی کشور است، اما تشکیلات غیر قابل شکست سابق نیست و کنترل انتخاباتی را مانند قبل در دست ندارد و این مسئله سوالات سیاسی گوناگونی را در مورد آن مطرح خواهد کرد: مسئله تاکتیکهای بکار گرفته شده، کارکردها، روشهای اشتباه، که همگی با سوسیال دموکراسی همخوانی دارند. در بین مسائل دیگری که باید مورد تحلیل قرار بگیرند عبارتند از: عدم تقویت و نادیده گرفتن نقش کارگران و دهقانان و عموم در پیشرفت کشور، وحتى تبلیغ شرکت جشنواره های موسیقی و هدایا (منظور تقسیم درآمد نفتی بین بخش کم درآمد است - توفان) و شخصیت چاوز بعنوان عناصر اصلی "بخشهای اجتماعی" در مرکز کارزار انتخاباتی، عدم رهبری جمعی و اصرار در تحلیل از یگانه رهبر و نه از ظرفیت و توانایی تشکیلات.

توده ها درخواست حل مشکلات را دارند و نه ارائه سخنرانی و برخ کشیدن وجهه رهبری، آنها نگاه به آینده دارند، و نیروی راستگرا بطور عوامفریبانه به مردم پیشنهاد تغییر داد، این در حالیست که مردم چاوزایسم را چیزی آویزان به کارزار تجلیل از رهبر و از سخنرانی ها و پیشنهادهای گذشته میدیدند، زمانی که اکثریت جامعه خواهان حل مشکلات عمدتاً اقتصادی هستند دولت پیشنهاد و یا اقدام مشخص و یا راه حل کوتاه یا میان مدت معتبری ارائه نمیدهد.

سیاستهای پوپولیستی آسیب آورند، نه فقط در این روند - که این یکی از خصلتهای سوسیال دموکراسی پوپولیستی است -، بلکه به آگاهی انقلابی توده ها هم آسیب میرساند، توده هایی که هنوز از اصل سوسیالیستی "بهرکس باندازه کارش" فاصله زیادی دارند. این سیاستها در بین اقشار عقب مانده جامعه موجب بی تفاوتی و بی علاقه‌گی نسبت بکار تولیدی شدند و این احساس را بوجود آوردند که این کمک هزینه ها بخشی از "درآمد نفت" است که بدون انجام هیچ کاری مستحق آنند، این سیاستهای پوپولیستی به بد تفسیری "زندگی خوب" کمک کردند، مفهومی که در مرکز آن برآوردن نیاز مردم است بدون در نظر گرفتن رابطه شان با کاری که جامعه تحویل میدهند.

مقابله با افتی که مسلماً در این دوره تعمیق خواهد یافت و مواجهه با روند گرایش بر است احتمالی مردم، چالشهایی هستند که باید با آنها برخورد شود. برای مهار کردن فاشیستهای راستگرا لازم است که فعالین و ابزارهای ما روی دورنمایی پیشرفته از قدرت انقلابی توده ها کار کنند، در خط مقدم مبارزه برای کارگران و دهقانان و رهبران انقلابی مردم باشند، رهبران سیاسی و انقلابی واقعی در حوزه فعالیت خودشان شوند، و توسط جبهه توده ای خود را برای رهبری کشور در بحبوحه درگیری با جبهه راست آماده سازند.

**سوسیالیسم را تنها با اتحاد کارگران - دهقانان در قدرت و توده مسلح میتوان ساخت!**

\*\*\*

## گشت و گذاری در فیسبوک

پاسخ به چند سؤال

### خط سومیه، خط پارکابیهای امپریالیسم

دولت ترکیه خاک عراق را اشغال کرد و می خواهد زمینه دزدی نفت را فراهم آورد. خط سومی ها در ایران که هوادار تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران بودند بر این نظرند که مغز انقلابی به آنها حکم می کند هم علیه داعش بجنگند و هم علیه رژیم قانونی بشار اسد. زیرا این دو اردوگاه یعنی حکومت قانونی اسد و عضو سازمان ملل و داعش مزدوران بیگانه غیر سوری هر دو ضد انقلابی هستند و خط سومی ها که گویا انقلابی هستند و البته هم در ایران و هم در سوریه نامرئی اند و زور هرکول دارند و در عمل هیچ پخی نیستند جز نوکران آمریکا و اسرائیل تصمیم دارند بر ضد هر دو جبهه به جنگند و با هواپیماهای خود اول داعش را نابود کنند و هر جا ارتش سوریه داعش را عقب می راند به کمک داعش بروند و هر جا داعش ارتش سوریه را به عقب می راند به اسد حمایت کنند و منتظر شرکت امپریالیسم و صهیونیسم در تجاوز به سوریه باشند تا از این مخصه مضحک بدر آیند. زنده باد خط سوم هوادار صهیونیسم و امپریالیسم که برنامه تجاوزش به ایران و حمایتش از داعش خنثی شد و حالا در سوریه فعال است و در کنار داعش مبارزه می کند. این خط سوم قبلاً در تریبونال لندن برهبری دارو دسته های منصور حکمت، مجاهدین خلق و بخش دست راستی راه کارگر و اقلیت و سربردارن و... از عربستان سعودی درخواست می کردند نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کند و برای فریب اعضای نادانشان سرود انترناسیونال خواندند. باید دانست خائن به ایران و همدستان امپریالیسم و صهیونیسم با هیچ سرودی کسب اعتبار نمی کنند. شرکت کنندگان خط سوم در تریبونال لندن نوکران بیگانه و دشمنان مردم ایرانند. این عده هوادار داعش اند و خوب است ایرانیان ماهیت این دو دوزه بازان را بشناسند. این عده بخشی از مهره های بازی امپریالیسم در منطقه برای تقسیم مجدد منطقه هستند چه خود بدانند و چه ندانند.

## پرسش: آیا جنبش سال ۸۸ جنبش ارتجاعی و ابزاری بعنوان انقلاب مخملی بود؟

**پاسخ:** خیر این جنبش در کلیتش جنبش خرد در مقابل جهالت بود. به باور ما جنبش ۲۲ خرداد ۸۸ یک جنبش دموکراتیک و بیان خشم فروخته سی ساله مردم ایران بود. مردمی که تجارب هم انتخابات تقلبی گذشته را پشت سر داشتند و قصد نداشتند در هیچ انتخاباتی شرکت کنند. با تشویق و تبلیغ رژیم که مردم را دعوت به شرکت در یک انتخابات فرمایشی و نمایشی می کرد و به آن چاشنی مناظره نامزدها را به تقلید از جرج بوش و اوپاما می زد تنور انتخابات داغ شد و رژیم مصمم گشت تا تنور داغ است نان خود را بپزد و از مردم مشروعیت طلب کند. حساب بسیاری از مردم در این انتخابات البته این نبود که به رژیم مشروعیت دهند. جنبش سال ۸۸ در کلیتش جنبش خرد در مقابل جهالت بود. این جنبش حتی بعزت این طیف عظیم نابسامانی و نارضایی بخشی از طبقات حاکمه را نیز در بر گرفته بود. طبیعتاً درجه تحول و خواست پیشروی در همه شرکت کنندگان یکسان نبود. هر چه جنبش رادیکالتر میشد ترکیب جنبش نیز تغییر می کرد ولی خواستهای مردم خواستهای به حقی بود و باید از آنها حمایت میشد و به مردم با حوصله نشان میدادیم که تحقق این خواستهای انسانی، مدنی، سیاسی تنها بر ویرانه های رژیم جمهوری اسلامی امکان پذیر بود. هرگونه مبارزه ای در چارچوب بقاء رژیم جمهوری اسلامی و دنباله روی از موسوی و کروبی و رفسنجانی و.... ره بجایی نمی برد و تکرار وضعیت کنونی بود. متأسفانه این جنبش بخاطر فقدان رهبری صحیح و دورنمای سیاسی سرکوب شد.

مسلمان در میان تظاهر کنندگان سال ۸۸ شعارهای انحرافی و ارتجاعی نیز داده میشد و رسانه های امپریالیستی و صهیونیستی نیز در آن نقش داشتند. شعار نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران نیز یکی از آن شعارهای انحرافی بود که در عین حال خنک کننده دل عده ای از ناسیونالیستهای افراطی در مقابل اسلام گرانی و بی وطنی پان اسلامیتها بود. عده ای نیز شعار مرگ بر روسیه و چین را ساز کرده بودند و امپریالیستهای غربی را ناجی ملت می پنداشتند.... بخش بزرگی از تظاهرکنندگان شعار «استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی» فریاد می زدند که در عین تائید انقلاب بهمن و رد رژیم ننگین و دست نشاندگی سلطنتی پهلوی و تکیه بر ایرانیت و نه اسلامیت داشت..... شعارهای آزادی، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات و احزاب و حقوق دموکراتیک و.... از جمله شعارهای بخش عظیم مردم جان به لب رسیده بود. پر واضح است که امپریالیستها هیچگاه بیکار ننشسته و همواره تلاش میکنند با توسل به رسانه های عظیم تبلیغاتی جنبش را به سمت منافع خود سوق دهند. وظیفه نیروهای آگاه شرکت در این جنبشها و طرح شعارهای صحیح و هدایت آن برای تحقق حقوق دموکراتیک عموم مردم ایران است. وظیفه نیروهای آگاهست که دشمنان داخلی و خارجی را افشا کنند و با تاکتیکهای صحیح جنبش را به سر منزل مقصود برسانند.

\*\*\*

## پرسش: آیا کره شمالی که دارای بمب اتمی است خطری برای صلح جهانی نیست؟

**پاسخ:** خیر، امپریالیسم مدام بر طبل دروغش میکوبد و از خطر بمب اتمی کره سخن میگویی و عده ای هم ندانسته در دام تبلیغات و جعلیات این عفریت جهانی قرار میگیرند. خوب است با آمار آغاز کنیم:

ایالات متحده آمریکا دارای (۲۵۰۰ کلاهک اتمی)، روسیه (۲۱۰۰ کلاهک اتمی)، بریتانیا (۲۲۵ کلاهک اتمی)، فرانسه ۳۵۰ کلاهک اتمی)، (چین ۲۴۰ کلاهک اتمی)، هند (۷۵ - ۱۱۵)، پاکستان (۶۵-۱۱۷)، اسرائیل (۲۰۰-۴۰۰ کلاهک اتمی). و بالاخره کره شمالی ۱۰-۵ کلاهک اتمی.....

قابل توجه است که کره شمالی بارها اعلام کرده است که اگر آمریکا و سایر کشورها حاضر به محو و نابودی سلاح اتمی خود باشند آنها نیز آماده اند. اما پاسخ آمریکا تا کنون منفی بوده است. باین توجیه که ماهیت بمب اتمی آمریکا «دمکراتیک» است و ماهیت کلاهک اتمی کره «غیردمکراتیک بمب اتمی!!»

همه صلح دوستان جهان باید خواهان نابودی کامل سلاح هسته ای باشند و این خلع سلاح اتمی و نابودی آن از بزرگترین و خطرناکترین کشور جهان یعنی آمریکا که تاکنون این سلاح ضد بشری آن را در ژاپن بکار برده و فاجعه آفریده آغاز گردد و در خاورمیانه نیز از رژیم صهیونیستی اسرائیل که چندین کشور را مورد تجاوز قرار داده و هر روز در سرزمین اشغالی جنایت میآفریند شروع گردد. آیا احزاب پرو صهیونیستی ایرانی نظیر حزب کمونیست کارگری پیروان منصور حکمت که اسرائیل را «دمکراتیک ترین و متمدن ترین» کشور خاورمیانه تبلیغ میکنند به این سیاست صلح خواهانه تن میدهند؟

**چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است**

## توفان ۱۹۰ شماره دی ماه ۱۳۹۴ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.

\*\*\*

### رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

### پاره‌ای از انتشارات جدید در کتابخانه اینترنتی توفان:

\*توهین به مقدسات ادیان و برخورد به تروریسم. از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

\*"سیمای دیگری از استالین" نوشته "لودو مارتنس"

\*تحریف کنندگان تاریخ، سندی تاریخی از انتشارات دفتر اطلاعاتی شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

\*درافشای ماهیت "حزب کمونیست کارگری ایران" در دو جلد از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

\*تحریف ترتسکیستی رویدادهای تاریخی - نویسنده علی رسولی

\*

### آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

لینک چند وبلاگ حزبی

وبلاگ توفان قاسمی

<http://rahetoufan67.blogspot.se/>

وبلاگ ظفر سرخ

<http://kanonezi.blogspot.se/>

وبلاگ کارگر آگاه

<http://www.kargareagah.blogspot.se/>

کتابخانه اینترنتی توفان سایت

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

توفان سایت آرشیو نشریات

[http://toufan.org/nashrie\\_tofan%20archive.htm](http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm)

توییتر توفان در

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

**دست امپریالیستها و صهیونیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!**